همین حوالی

درباره هنر شفاف اندیشیدن

علیرضا شیری*

پرده اول: به میوه‌فروشی محل می‌روم و در فهرست پیامک‌شده خریدها، برای اولین‌بار، «کدوحلوایی» درج شده که خانم اخیرا دستور تهیه سوپش را یاد گرفته‌اند! اتفاقی که می‌افتد این است که نگاهی سریع به قیمت موز می‌اندازم که با ماژیک درشت و بی‌قواره، بیرون مغازه خورده کیلویی سه‌هزارو ۴۵۰تومان، در مغزم قیمت موز همیشه چیزی بین سه‌هزارو ۲۰۰ تا سه‌هزارو ۸۰۰تومان، کد شده است و قیمت‌های خارج این بازه به طور ناخودآگاه من را به گران‌فروش‌بودن میوه‌فروش ظنین می‌کند، اما قیمت فعلی باعث می‌شود بروم و کدوحلوایی مثلا کیلو ۹هزارو ۵۰۰ را نیز، در بازه نرمال تصور کنم! به چنین تعمیم‌دادنی در روان‌شناسی اجتماعی می‌گوییم اثر هاله‌ای hallow effect؛ زیرا مغز برای کدوحلوایی ملاکی نداشت و چون مثلا قیمت موز و هندوانه را دارد، همین‌ها را تعمیم می‌دهد به بقیه اجناس. خب میوه‌فروش‌ها نیز از این قاعده خبر دارند، هرچند اسمش را نمی‌دانند!

پرده دوم: اردیبهشت ۹۴ در استانبول وارد کتاب‌فروشی می‌شوم و تصویر کتاب رالف دوبلی توجهم را جلب می‌کند: The Art Of Thinking Clearly ،به خاطر علاقه‌ام به علوم عصب‌شناختی (neurocognitive science) می‌روم تورقش کنم که متوجه زیبایی و عظمت این کتاب می‌شوم، هنوز به هتل نرسیده‌ام که یکی از دوستان کتابی‌ام (دوستی‌هایی که تو فضای کتاب‌فروشی‌ها شروع شده) به اسم خشایار، برایم تصویر کتابی را از ایران می‌فرستد به اسم هنر شفاف‌اندیشیدن با ترجمه عادل فردوسی‌پور، بهزاد توکلی و علی شهروز که شوکه می‌شوم از اصل هم‌زمانی و خوشحالم که نشر وزینی مثل چشمه و خانواده عزیز کیائیان کتاب را به جامعه ایرانی عرضه کردند. در تهران با چشمه تماس می‌گیرم و با راهنمایی من و لطف انتشارات، این ترجمه نفیس را به ده‌ها مدیر و فرد تأثیرگذار ایرانی هدیه می‌دهیم.

پرده سوم: من مدیرم، درمانگرم، استاد دانشکده روان‌شناسی‌ام، به‌شدت در معرض تصمیمات سخت هستم و این یعنی هرچقدر هم هوش و تجربه داشته باشی، باز مغز از شیوه‌های پیچیده‌تر برای «میان‌برزدن» استفاده می‌کند، میان‌برزدن مسیر تعقل صحیح. به‌واسطه وجود هسته‌های آمیگدال در مغز، رفتارهای واکنشی پیچیده‌تری نسبت به رفلکس‌های ساده‌تر نخاعی در انسان توجیه می‌شود. در رفلکس‌های نخاعی دستمان به جسمی داغ می‌خورد و قبل از اینکه سوزش این تماس توسط بخش‌های قشری مغز ادراک شود، دستمان را پس می‌کشیم؛ زیرا نخاع با میانبرزدن‌هایی که در طول تکامل فراگرفته است، بدن را از آسیب حفظ می‌کند. آمیگدال نیز شبیه این محافظت را اعمال می‌دارد ولی خیلی پیچیده‌تر. در یک گفت‌وگوی حضوری استخدامی، بدون هیچ دلیل خاصی، احساس می‌کنید آدم مقابلتان منفی و بی‌رحم است، فارغ از اینکه این احساس درست است یا غلط، عملا آمیگدال شما متوجه می‌شود که این آدم از همان ادکلنی استفاده کرده که معلم دیکتاتورمآب شما، ۱۵ سال قبل در مدرسه استفاده می‌کرده است و بنابراین با هشداری واکنشی، سعی می‌کند شما را از خطری بالقوه آگاه کند.

ادامه در صفحه ۱۸

بررسی یک علت از ۳ منظر

گسترش نهادهای مدنی، افزایش تعداد فقرا

عکس: شرق

سعید برآبادی: «چرا با وجود فعالیت گسترده ان‌جی‌اوها در ایران، فقر همچنان یکی از مسائل جدی در جامعه ماست؟». احتمالا با این پرسش بارها مواجه شده و پاسخ‌های مختلفی برای آن تراشیده‌اید؛ انبوه کودکان کار در چهارراه‌ها، افزایش تعداد معتادانی که در گوشه و کنار بلوارها مشغول مصرف مواد یا چرت‌زدن هستند و زباله‌جمع‌کن‌هایی که برای لحظه‌ای سطل‌های بزرگ زباله را رها نمی‌کنند، از یک طرف و صدها ان‌جی‌او و تشکل و گروه‌های اینترنتی که سعی در بهبود شرایط اجتماعی کشور دارند، از سوی دیگر، گاه حتی ممکن است پاسخ سؤال بالا را با یک سرددلی مواجه کند: «با شعار نمی‌شود کاری کرد!» و حتی شاید چیزی تلخ‌تر از اینها؛ یعنی نمایشی‌دانستن فعالیت‌های غیردولتی در حوزه‌های اجتماعی. دومین نشست طردشدگان در دانشکده علوم اجتماعی، عملا این فرصت را در اختیار سه میهمان برنامه گذاشت تا از زوایای مختلف، به این سؤال کلیدی پاسخ دهند؛ یک پژوهشگر حوزه اجتماعی، یک استاد دانشگاه در رشته اقتصاد و یک مسئول ان‌جی‌او، گردهم آمده بودند و وقت آن رسیده بود که هر یک، از دریچه تخصص خود پاسخ‌گوی این سؤال باشند. رمضان ماه عدل علی است؛ یادآور آنچه به گفته مدیر برگزاری دومین نشست طردشدگان، یکی از فراموش‌شده‌های امروز ماست: «پس از شهادت امیرالمؤمنین(ع)، اولین گروهی که روبه‌روی نظام طبقاتی ایستادند، شیعیان علی بودند که علاوه بر دین، عدل را می‌جستند...»، شاید همین چند جمله برای ورود به موضوع طردشدگان کافی باشد، اما آنچه از بررسی جایگاه این گروه از اجتماع در دومین نشست از سلسله‌نشست‌های ماه عدل، در سخنرانی‌ها به‌دست آمد، بیشتر سمت‌وسوی این مسیر را یافت که چرا سازوکارهای ان‌جی‌اویی در ایران هنوز نتوانسته‌اند، مانع از بی‌توجهی به طردشدگان جامعه شوند.

مفهوم طرد و مسئله کمک

اولین سخنران این برنامه که از سوی دفتر رصد فرهنگ و اجتماع پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و با همکاری انجمن علمی دانشجویی انسان‌شناسی دانشگاه تهران برگزار شد، دکتر رضا امیدی، پژوهشگر سیاست‌گذاری اجتماعی بود که در سخنرانی خود با عنوان «سیاست‌گذاری اجتماعی؛ ضرورت یک پروژه اجتماعی- سیاسی»، پیش از هر چیز از قدمت گروهی در جامعه سخن گفت که امروز به‌عنوان طردشدگان شناخته می‌شوند: «در مفهوم نظری «طرد»، پیش از هر چیز باید به دهه ۷۰ میلادی برگردیم. وقتی اولین‌بار در این دهه، موضوع «طرد اجتماعی» مطرح شد، یک نقد جدی به این مفهوم وارد شد. مسئله این بود که مطرح‌کنندگان این بحث در ادبیات اقتصادی و اجتماعی، به دنبال این هستند که با مفهوم «طرد»، زشتی و خشن‌بودن فقر را پنهان کنند اما مطالعات بعدی نشان داد طرد اجتماعی می‌تواند چهره‌ای به‌مراتب خشن‌تر داشته باشد». چه چهره‌ای می‌تواند حتی خشن‌تر از فقر باشد؟ امیدی، در این بخش از سخنانش «طرد» را از «فقر» جدا کرد و به آن صفتی اجتماعی داد: «فقر ناشی از مکانیسم توزیع است، اما طرد یک مقوله اجتماعی است که در آن ارتباطات دچار اخلال می‌شود. از این منظر، فقر یکی از عوامل تشدیدکننده طرد است و طرد اجتماعی زمانی به‌وجود می‌آید که روابط در ساختار اجتماعی دچار گسست‌های اساسی می‌شود و به‌همین‌خاطر می‌توان در حوزه طرد، از مذهب، جنسیت، مهاجرت و... هم به‌عنوان سطوح مختلف مسئله نام برد».

آیا رشد اقتصادی می‌تواند کاهنده فقر باشد؟

یک مثال دراین‌میان شاید راهگشا باشد: «براساس مطالعات انجام‌شده، استان سیستان‌وبلوچستان یکی از نواحی طردشده در مناسبات اقتصادی و توسعه کشور است، به عبارت دیگر، طرد می‌تواند در سطوح مختلف قابل بررسی باشد». او پس از این مثال به مبحث طرد اجتماعی بازگشت و فعالیت‌های دولت را در سال‌های اولیه انقلاب مورد بررسی قرار داد: «دولت‌ها تا دهه ۸۰ به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین منبع مخاطرات اجتماعی عمل کرده‌اند؛ در حوزه‌های فقر و آسیب‌های اجتماعی هیچ مسئله اجتماعی را نمی‌توان پیدا کرد که ردپای سیاست‌های دولت‌ها را در آن ندید» و بعد چند آمار مرتبط با مسئله فقر و طرد اجتماعی ضمیمه آن شد: «وقتی در جامعه‌ای ۱۶درصد جی‌دی‌پی فرار مالیاتی صورت می‌گیرد، نباید از همبستگی اجتماعی برای حل مسائل سخن گفت. آخرین آمارهای دولت نشان می‌دهد یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در سطح ملی زیر خط فقر قرار دارند که از اینها، ۴۰درصد در جامعه روستایی و ۳۰درصد در جامعه شهری هستند که درآمدشان کفاف سیرکردن شکم‌شان را نمی‌دهد».

این مقدمه برای امیدی، حکم ورود به بحثی تازه را داشت: «فعالیت‌های ان‌جی‌اوها تا چه حد می‌تواند به طردشدگان جامعه کمک کند؟». او پیش از ورود به این بحث، از بهزیستی به خاطر برون‌سپاری ۹۵درصدی فعالیت‌هایش انتقاد کرد و گفت چرا دولت به جای هدایت درآمدها به سمت بخش‌های عمرانی، به حوزه اجتماعی کمک نمی‌کند: «واقعیت این است که نگاه کلاسیک حکم می‌کند رشد اقتصادی ازبین‌برنده فقر خواهد بود در حالی که حتی بانک جهانی هم به این موضوع اعتراف کرده که نمی‌توان با حتی چهار برابرکردن رشد اقتصادی، شاهد کاهش فقر در جهان باشیم. بنابراین باید پرسید فارغ از نگاه دولتی در این حوزه، چرا ان‌جی‌اوها نتوانسته‌اند در حوزه طرد اجتماعی موفق باشند؟» پیشنهاد این پژوهشگر حوزه اجتماعی، متمرکزکردن ان‌جی‌اوها و حرکت به سمت یک سیاست‌گذاری کلان برای عزم ملی و کاهش مشکلات طرد اجتماعی در ایران بود؛ موضوعی که مؤسس و مدیر جمعیت امام‌علی(ع) به‌عنوان نماینده ان‌جی‌اوی حاضر در این نشست، چندان با آن موافق به‌نظر نمی‌رسید.

طرد واژه مناسبی نیست یا هست؟

واژه طرد، یک پیش‌زمینه ذهنی برای مخاطبانش دارد؛ خداوند شیطان را از بهشت طرد کرد. آیا می‌توان مطرودان جامعه را با صفت طرد تفسیر کرد؟ شارمین میمندی‌نژاد، مؤسس و مدیر جمعیت خیریه امام‌علی(ع)، به این نشست آمده بود تا از دریچه دیگری به این موضوع نگاه کند: ««طردشدگی» واژه گسترده‌ای است که ریشه در باورهای ما دارد، ما فقیر را آدم بی‌استعداد و بی‌هنری می‌بینیم که نتوانسته خودش را در ساختار اجتماعی بالا بکشد. کسانی که، در مقابل آدم‌های کارآفرین، نتوانسته‌اند فعالیتی ایجاد کنند، بیشتر به حاشیه رانده شده‌اند و از آنها با عنوان‌های نادرستی چون انگل اجتماع و آدم‌های بی‌عرضه یاد می‌شود؛ حال آنکه وقتی این افراد جدی گرفته نمی‌شوند، طبیعی است که به فساد هم آغشته می‌شوند». او هم با مرور تاریخ پس از انقلاب به جایگاه طرد اشاره کرد و گفت: «در انقلاب، شعار حذف طبقات جامعه یکی از شعارهای کلیدی بود در حالی که امروز فاصله طبقاتی به شکل جدی‌تری احساس می‌شود، چراکه ما مانیفست اجتماعی نداشته‌ایم و نمی‌دانیم درنهایت جامعه باید در مقابل این افراد چه واکنشی داشته باشد». او در پاسخ به سؤال کلیدی این نشست که سمن‌ها چطور باید به یک راهکار درست در مقابل موضوع طردشدگان برسند نیز گفت: «بسیاری معتقدند سمن‌ها باید سیاست کلان جامعه را تغییر دهند که این امکان‌پذیر نیست به‌دلیل اینکه این حاکمیت هم از دل همین اجتماع به‌وجود آمده است؛ تغییر باید در کف اجتماع به‌وجود بیاید تا در رأس نمود پیدا کند». اما چطور؟ «اگر می‌گویند ان‌جی‌اوها نمی‌توانند سیاست‌گذاری‌های حاضر و حاکم در جامعه را تغییر دهند، به این خاطر است که هنوز مفهوم درستی از ان‌جی‌او مطرح نشده یا مطرح شده و متوجه آن نمی‌شوند. باید تغییر از کف جامعه صورت گیرد و ان‌جی‌اوها مهم‌ترین بازوی این تغییر هستند، پس از آن می‌توانیم شاهد تغییر در سطوح بالاتر هم باشیم».

> **راغفر حسین، استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا(س): در جامعه ما امروز فردگرایی افزایش یافته است به خاطر قدرت و تئوری‌های مبتذلی است که از سوی برخی به اصطلاح محققان اجتماعی ارائه می‌شود؛ اما این فرهنگ، محصول نژاد ایرانی نیست؛ این محصول شرایطی است که فقر را تولید می‌کند و از آن برای استمرار خود استفاده می‌کند**

اما میمندی‌نژاد نیز بحث خود را با یک استفهام منفی به پایان رساند: «آیا مشکلات طبقه نادیده گرفته‌شده آن‌قدر ساده است که با یک طرح ساده بتوان آن را حل کرد؟ آیا چنین نوع نگاهی به طردشدگان باعث نمی‌شود که دیگر مشکلات آنها را در بخش‌های مختلف نادیده بینگاریم و تنها به بحث اقتصادی بپردازیم؟»

نئولیبرالیسم یا وقتی که به فردگرایی می‌رسیم

چهره دیگر فقر را می‌توان در آن سوی دیوار واژه‌ها سراغ گرفت؛ واژه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. در پستوی هر جامعه‌ای، طردشدگان قرار دارند، آنها به پستو رانده شده‌اند تا تجسم فراموشی ما باشند. وقتی در سال ۹۲، مدیران شهری شیراز معتادان را سوار ماشین‌های باری کرده و در بیابان‌های بندرعباس رها کردند، وقتی اردوگاه شفق که قرار بود مکانی باشد برای ترک اجباری معتادان، به مرگ تعدادی معتاد ختم شد و... همه و همه یادآور گروهی هستند که به عناوین مختلف طرد می‌شوند. اینها موضوعاتی بود که دکتر حسین راغفر، استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا(س) قصد داشت درباره آنها سخن بگوید، اگرچه کمی قبل از او، دکتر امیدی مثال‌هایی از آن به میان آورده بود: «فقر محصول نظام اجتماعی و عامل نوع خاصی از طرد اجتماعی است و شاید بشود ریشه طرد اجتماعی را در دو عامل اصلی اشتغال و تحصیلات جست».

این استاد دانشگاه طردشدگی را نتیجه خط‌مشی اقتصادی خاصی دانست که از آن به‌عنوان نئولیبرالیسم یاد می‌شود: «تفاوت نئولیبرالیسم با لیبرالیسم در این است که در نئولیبرالیسم هیچ حوزه‌ای از حیات بشر نیست که نشود آن را با عرضه و تقاضا توضیح داد و تبیین کرد؛ آمریکا به‌عنوان الگوی نئولیبرالیسم جهان هم از آسیب‌های این نظام اقتصادی در امان نمانده است. طی این روند در آمریکا جمعیت زندانیان از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۲، پنج برابر شده است». اما فقط در آمریکا نیست که تعداد زندانیان بر اثر چنین تغییراتی در نظام اقتصادی گسترده‌تر می‌شود. به گفته راغفر، «در ایران بالغ بر ۱۶میلیون پرونده کیفری در دادگاه‌ها داریم که محصول همین رویکرد نئولیبرالیستی است».

چرا عاملان فسادهای میلیاردی، اسم مستعار دارند؟

اما چرا جامعه نمی‌تواند از سختی بار مشکلات طردشدگان کم کند؟ راغفر در بخش دوم سخنان خود به فردگرایی حاکم در جامعه ما اشاره کرد که توان یاری‌دادن را از بسیاری گرفته است: «اینکه در جامعه ما، امروز فردگرایی افزایش یافته است به خاطر قدرت و تئوری‌های مبتذلی است که از سوی برخی به اصطلاح محققان اجتماعی ارائه می‌شود؛ اما این فرهنگ، محصول نژاد ایرانی نیست؛ این محصول شرایطی است که فقر را تولید می‌کند و از آن برای استمرار خود استفاده می‌کند». در این شرایط آیا می‌توان با اصلاح نظام اقتصادی، به حل مشکلات اجتماعی کمک کرد و اگر این‌چنین باشد آیا این اتفاق تکذیب سخن گروهی نیست که می‌گویند رشد اقتصادی به کاهش فقر نمی‌انجامد؟ راغفر پاسخ میانه‌ای دارد که بیشتر بر اعتراض به نظام اقتصادی حاکم بر جامعه متمرکز است، آنجایی که فساد اقتصادی، کلاهبرداری‌های میلیاردی و اختلاس‌ها به این دوگانگی طبقاتی افزوده می‌شوند: «هزارها میلیارد تومان برده می‌شود و عاملان آن با اسم مستعار خوانده می‌شوند در حالی‌که جوانانی که بر اثر همین رفتارها مجبور به دزدی و خفت‌گیری شده‌اند، ظرف یک هفته دستگیر شده و خیلی راحت در تلویزیون به نمایش گذاشته می‌شوند». او در پایان، شکل‌گیری گروهی که عنوان طردشدگان اجتماعی بر آنها نهاده‌اند را زاییده عوامل مختلف توصیف کرد و به صورت فهرست‌وار از «قطبی‌شدن تبعیض»، «فقر» و «ناتوانی در دسترسی به کالاهای اجتماعی»، به عنوان بخشی از آنها نام برد و شرکت‌کنندگان در نشست هم حواس‌شان بود که میان این کالاهای اجتماعی که مطرودان نمی‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند، «شغل» و «تحصیل» در اولویت است.

تشنگی

خشک‌سالی و موج دیگری از مهاجران

● خشک‌سالی بیداد می‌کند. این باران‌های موسمی را باور نکنید، این توفان‌ها برای خاک خشک مناسب نیستند، برعکس، بستر خشک بیابان‌ها و دشت‌ها، قطره‌های درشت باران را به یکدیگر پیوند می‌دهد و سیل راه می‌افتد. وضع استان‌های خشک و گرم که در شرق کشور قرار گرفته‌اند، روزبه‌روز در حال بدترشدن است. آب چشمه‌ها یا قطع شده یا به قدری کم است که دیگر به حساب نمی‌آید. روستاهایی که روزی منبع زندگی و کشاورزی بودند، حالا تنها مکانی برای اسکان کارگرانی هستند که در شهرهای مجاور کار می‌کنند، اما درآمدشان آن‌قدر زیاد نیست که به‌طور کامل مهاجرت کنند. در حاشیه یکی از میدان‌های جنوبی سبزوار، جوان‌های روستاهای نزدیک، ایستاده‌اند و منتظرند تا برای کارگری ساختمان، حفر چاه، جابه‌جایی اسباب‌واثاثیه و... فراخوانده شوند. در پشت‌سر آنها، روستایی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، حالا دیگر شرایطی مناسب برای زندگی ندارد: «الان مسئله روستای ما، آب است، آب که نباشد کشاورزی نیست، کشاورزی که نباشد، گوسفند و بز با کدام علوفه باید رشد کنند. همه‌چیز به هم وابسته است». در طول این سال‌ها، برای آبادی روستاها و زنده‌نگهداشتن حیات نسل‌های بعد در زمین‌های پدری، اقدامات مختلفی انجام شده؛ دولت بودجه‌های فراوانی را خرج مدرسه‌سازی، تأسیس دفاتر خدمات دولتی، به‌راه‌انداختن سیستم حمل‌ونقل عمومی، اتصال تلفن، برق و گاز در روستاها کرده، اما امروز همه آن هزینه‌ها حتی یک ریال هم ارزش معنوی ندارد، چراکه نسل بعد برای کار و زندگی چاره‌ای جز رهاکردن آنها و آمدن به شهرهای بزرگ‌تر برایش نمانده: «نگرانی اصلی ما کار است، خود من تا دبیرستان در روستا درس خوانده‌ام، روستای ما هم بزرگ و هم یکی از مهم‌ترین روستاهای کشاورزی این منطقه است، اما مشکل اینجاست که حالا نمی‌شود از کشاورزی درآمد کسب کرد. آب را باید بخریم و هزینه‌اش هم آن‌قدرگران است که گندم و جو نمی‌صرفد».

سه دهه پیش در اولین سال‌های انقلاب، خشک‌سالی، یکی از مهم‌ترین مهاجرت‌های خراسانی‌ها و مردم سیستان‌وبلوچستان به شمال شرق دریای خزر را رقم زد. آنها از ترس قحطی و نبود آب، در بسیاری از شهرهای پرآب استان مازندران و گلستان فعلی، زندگی تازه‌ای برای خود آغاز کردند اما این‌بار وضع به‌کلی متفاوت است؛ به کجا باید مهاجرت کنند؟ یاسر عوضوردی، کارگر نوجوانی که این درددل‌ها را با «شرق» واگویه می‌کند، مقصد تازه‌ای برای چنین مهاجرتی سراغ ندارد: «به کجا؟ مثلا گرگان؟ مگر آنجا وضع‌اش بهتر از اینجاست؟ الان شرایط همه کشور همین است، چاره‌ای نداریم جز اینکه برای کار به شهر بیاییم و شب برگردیم به خانه در روستا». و جالب اینجاست که در مینی‌بوسی که عصرها از همان میدان به سمت روستاهای جنوبی شهر می‌رود، بسته‌های بزرگ آب معدنی قطاربه‌قطار جاسازی شده‌اند.

توفانی که روز یکشنبه در پایتخت بود، بعدازظهر به خراسان رسید؛ مسیل‌ها را پر از آب کرد و زمین‌هایی که به اشتباه شخم خورده بودند، با باران شسته شده و به‌کاریزها فرورفتند اما زمین تشنه، تشنه‌تر شد. بعضی از محلی‌ها می‌گویند از ابتدای مهرماه که مدرسه‌ها باز شوند، موج تازه‌ای از مهاجرت به شهرها آغاز خواهد شد و در این مسیر، جوان‌ها احتمالا پیش‌قدم باشند، مثل یاسر و صدها یاسر دیگر... .

جدول ۲۳۱۱ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- دختر مازندرانی- از نام‌های خداوند- جام ورزشی ۲- آزمایشگاه- درخشندگی ۳- اسیر جنگی آزادشده- ابزارها- فراوانی و رونق ۴- بی‌فایده- برای تزئین سطوح کیف و کفش به‌کار می‌رود- نفاق ۵- مخفف گاه- منبر وعظ و خطابه- بستر ۶- زبانه آتش- شهرستانی در خوزستان- بله روسی ۷- مادر حضرت اسحاق (ع)- استقبال یا بدرقه میهمان- زیان ۸- آزرده- واحدی برای شمارش کالا- ایوان ۹- استخوان‌های پشت- ایالتی در آمریکا- هربخش یک مجموعه ۱۰- N- ناله و زاری- قرار گرفته در جایی ۱۱- نوعی بافته زینتی- سبز تیره- همه را شامل می‌شود ۱۲- پایتخت کشور آفریقایی مالی- تیری که با کمان اندازند- کشتی جنگی ۱۳- عنوان هر یک از پادشاهان ساسانی- کبوتر دشتی- لاف پهلوانی زدن ۱۴- استان- موجودات زیان‌آور که به گیاهان خسارت می‌رسانند ۱۵- مقام و رتبه- تبعیدگاه ناپلئون- مبنای تاریخ اسلامی.

عمودی:

۱- موی مصنوعی بلند- کارفرما ۲- دومین دورقمی- از ظروف آزمایشگاهی- باز را خنثی می‌کند ۳- ظالم و ستمکار- خرگوش عرب- منحرف ۴- نام چند تن از پادشاهان اشکانی- پدالی زیر پای راننده- قسمت‌های آغازین هر چیز ۵- از نام‌های خداوند- بازیکن خط میانی- سیلی ۶- نوعی بالاپوش- راه‌یافتن به داخل چیزی- ظرف غذای سربازان در پادگان ۷- فیلمی ساخته آلفرد هیچکاک با بازی آنتونی پرکینز- محکمه باطنی- شکست‌خورده در شطرنج ۸- نقاش نامدار اسپانیایی- لانه پرندگان- کیسه مشک در زیر شکم آهوی ختایی ۹- زاویه‌ای که هر امتداد با امتداد شمال جنوب می‌سازد- علت غیرموجه برای انجام‌ندادن کاری- شهری در روسیه ۱۰- ادامه‌یافتن- ورزشی رزمی- ماهی کنسروی ۱۱- عریان- به‌دنیاآمدن- شایش ۱۲- سرشار- پیش‌رفته- مثل و مانند ۱۳- تنها رودخانه قابل کشتیرانی ایران- تباه‌شده- زاده چهارپایان ۱۴- دروغی- صحیح- از ادوات ورزش بدنسازی ۱۵- همسر زلیخا که یوسف (ع) را به غلامی خرید - ناکامی.

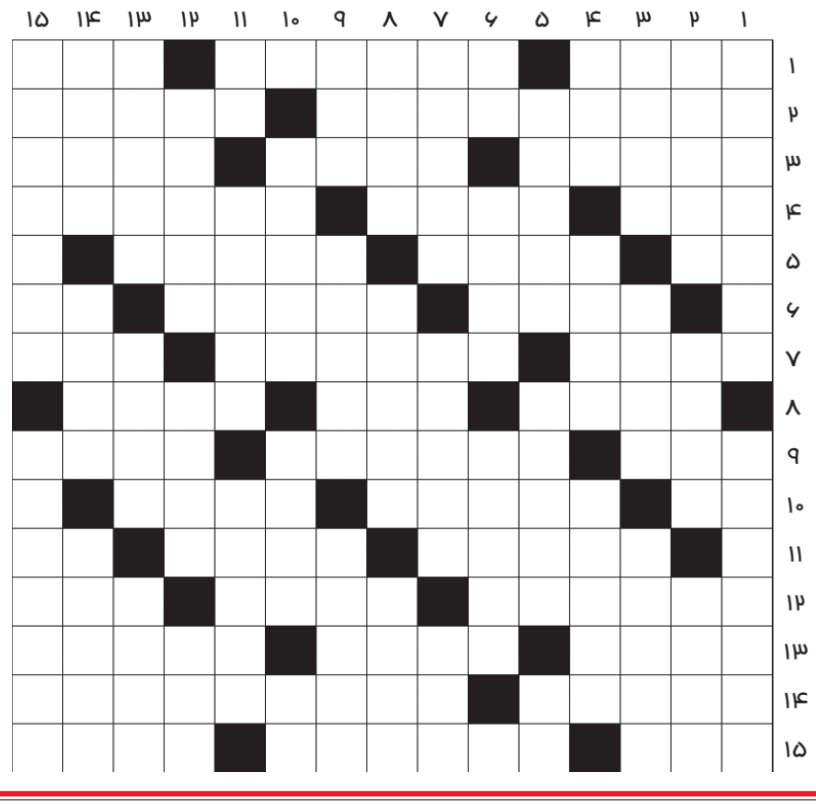

حل سودوکو سخت

۸	۵	۴	۳	۲	۶	۹	۱	۷
۲	۹	۷	۸	۱	۴	۵	۶	۳
۳	۱	۶	۷	۵	۹	۸	۴	۲
۵	۸	۹	۱	۶	۲	۷	۳	۴
۶	۳	۱	۴	۷	۵	۲	۹	۸
۴	۷	۲	۹	۳	۸	۶	۵	۱
۹	۶	۳	۲	۸	۱	۴	۷	۵
۱	۲	۵	۶	۴	۷	۳	۸	۹
۷	۴	۸	۵	۹	۳	۱	۲	۶

حل سودوکو ۱۳۰۷

۶	۸	۷	۲	۹	۴	۱	۳	۵
۴	۹	۱	۵	۷	۳	۸	۶	۲
۳	۵	۲	۸	۶	۱	۴	۷	۹
۹	۲	۳	۶	۴	۵	۷	۱	۸
۵	۱	۴	۷	۸	۲	۶	۹	۳
۸	۷	۶	۱	۳	۹	۵	۲	۴
۷	۳	۸	۴	۲	۶	۹	۵	۱
۱	۶	۹	۳	۵	۸	۲	۴	۷
۲	۴	۵	۹	۱	۷	۳	۸	۶

جدول ۲۳۱۰

سودوکو ۱۳۰۸

			۴	۲			۹	۸
۲								۴
	۹		۳	۵		۷		
			۶	۷	۳			
۸				۱		۶		
	۳		۵		۴			۲
		۳			۲	۵		۹
۶			۷		۵			۱
	۸				۱			

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۳۰۸

	۳	۶	۵					۹
۵				۹	۳			۷
۹		۸		۲		۵		۱
	۲	۷		۱	۶	۳		
						۷	۱	۶
۶		۱	۴	۳			۲	۸
۲	۸	۹		۴				۳
۷		۵	۳	۸				۲
۴	۱						۷	

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.